

## **Analysis of Differentialization Methods (Specialization) in Fair Investigation of Technical and Specialized Crimes (Study of a Sample of Crimes against the Environment)**

**Amir Falakedin\***

**Masoud Ghasemi\*\*, Yazdan Nosrati\*\*\***

### **Abstract**

Following the methods of differentiation (specialization) in criminal law is a necessary thing that has been achieved in many other legal systems. One of the areas in which the differentiation of criminal procedure should be manifested in its territory is technical and specialized crimes, and this study has examined one of the green crimes as one of its examples. In this study, it was concluded that in our systemic law, there are manifestations of differentiation from private to technical and specialized crimes in the form of specialized courts, but since terrorism is still achieved in our systemic law. The independent form of criminalization is also assigned to the trial and has special regulations, there is a serious weakness in our legislative system. In addition to the effects, the anticipation of requirements such as increasing the number of specialized green courts and specialized courts and eliminating specialized courts in dealing with green crimes, the use of specialized judges and officers, and the Special Police for

\* PhD Student of Criminal and Criminology, Kermanshah Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, amir\_falakedin57@yahoo.com

\*\* Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author), md.ghasemi@iauksh.ac.ir

\*\*\* Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Science and Research Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran, md.ghasemi@iauksh.ac.ir

Date received: 2022/03/26, Date of acceptance: 2022/07/24



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Environmental and Continuing Education. Their recognition of the right to reason and objection to votes for green poison can be used to differentiate between green crimes and the realization of real criminal policy.

**Keywords:** Green Crimes, Environmental Terrorism, Differential Treatment, Specialized Courts, Specialist Judges.



## نقدی بر روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) در رسیدگی‌های عادلانه به جرائم فنی و تخصصی (مطالعه موردی: نمونه جرائم علیه محیط زیست)

امیر فلک‌الدین\*

مسعود قاسمی\*\*، یزدان نصرتی\*\*\*

### چکیده

پیروی از روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) در علم حقوق جزا امری لازم و ضروری است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر محقق شده است. یکی از حوزه‌هایی که باید افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند جرائم فنی و تخصصی است که نگارندگان این پژوهش به بررسی جرائم سبز، به‌منزله یکی از مصادیق آن، مبادرت ورزیده‌اند. در این تحقیق این نتایج حاصل شد که در نظام حقوقی ما جلوه‌هایی از افتراقی‌سازی درخصوص رسیدگی به جرائم فنی و تخصصی در قالب دادرسی تخصصی مشاهده می‌شود، اما از این نظر که هنوز هم تروریسم زیست‌محیطی در نظام حقوقی ما به‌صورت مستقل جرم‌انگاری نشده تا دادرسی آن نیز تخصصی شود و مقررات ویژه‌ای را به خود بگیرد، در نظام تقنینی ما ضعفی جدی مشاهده می‌شود. علاوه‌بر

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، amir\_falakedin57@yahoo.com

\*\* استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)، md.ghasemi@iauksh.ac.ir

\*\*\* استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران nosratiyazdan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

جلوه‌ها، پیش‌بینی بایسته‌هایی هم‌چون لزوم گسترش تشکیل دادرسی‌های تخصصی سبز و دادگاه‌های تخصصی و حذف دادگاه‌های اختصاصی در رسیدگی به جرائم سبز، استفاده از قضات و ضابطان متخصص، پلیس ویژه محیط زیست و آموزش مستمر آن‌ها، و شناسایی حق اقامه دلیل و اعتراض به آرا برای سمن‌های سبز می‌تواند در افتراقی‌سازی رسیدگی به جرائم سبز و تحقق اهداف سیاست جنایی مؤثر واقع شود.

**کلیدواژه‌ها:** نقد روش‌های افتراقی‌سازی، جرائم فنی و تخصصی، جرائم سبز، دادگاه تخصصی، قضات متخصص.

## ۱. مقدمه

امروزه، با این‌که وجود آیین دادرسی کیفری به واکنش جامعه برضد جرم نظم خاصی می‌بخشد، سخن از افتراقی‌شدن و چندلایه‌شدن آیین دادرسی به میان آمده است و با مطرح‌شدن برخی از جرائم فنی و تخصصی و بزه‌کاران خطرناک این دسته از جرائم ضرورت‌گزینش یک نظام رسیدگی افتراقی پیش از گذشته احساس می‌شود. امروزه مشاهده می‌کنیم که حقوق کیفری چه در بُعد ماهوی و چه در بعد شکلی آن از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند که پیش‌تر جنبه فنی و تخصصی دارند و شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری محیط زیست، و غیره نشان از تخصصی‌شدن حقوق کیفری دارد که باعث تضمین حق بر محیط زیست سالم می‌گردد (نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۰: ۲۷). حق برخورداری از محیط زیست ایمن به‌منزله حق بنیادین بشری مطرح است و در اسناد بین‌المللی مختلف انعکاس یافته است. حق بر محیط زیست سالم به‌دنبال اقتضائات زندگی مدرن در نسل سوم حقوق بشر مطرح شد و در واقع این حق را در زمره یکی از مصادیق حقوق جمعی و حقوق هم‌بستگی معرفی کرده‌اند (Priour 2003: 93). در حقوق فرانسه نیز شناسایی این حق و جرم‌انگاری‌های حمایتی به‌منظور تضمین این حق در مقایسه با دیگر کشورها دیرنگام بود (Huten 2003: 57).

یکی از حوزه‌هایی که باید افتراقی‌سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند «جرائم سبز» است؛ چراکه لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست، که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط زیست است، افتراقی‌سازی در این حوزه را بیش از گذشته لازم و ضروری می‌کند. نگارندگان این تحقیق بر لزوم تفکیک این دو جرم، به‌منزله جرائم سبز، تأکید ویژه‌ای دارند. در نظام حقوقی فرانسه نیز رسیدگی به این جرائم از هم

تفکیک شده است، چراکه جرائم زیست‌محیطی در قالب تروریسم نیز قابلیت ارتکاب پیدا کرده‌اند. همان‌طور که در *دائرةالمعارف علوم جنایی* مطرح شده است، تروریسم تهدیدی کاملاً مستقیم علیه منافع اساسی ملت‌های متمدن شناخته شده است (Gerard 2004: 919)، بنابراین از دهه ۱۹۹۰ به بعد تحولی در مفهوم تروریسم ایجاد شد و یکی از تأثیرات این تحول را می‌توان در قانون‌گذاری جزایی فرانسه ملاحظه کرد. مقنن فرانسوی در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه به جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی اقدام کرد (Mayaud 1997: 24). ماده ۱-۴۱۰ قانون مجازات فرانسه، در مقام بیان منافع اساسی ملت، تأمین ثبات و تعادل در محیط زیست کشور را یکی از منافع اساسی ملت فرانسه برشمرده است. در قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲، اجرایی‌شده در ۱۹۹۴، در مواد ۱-۴۲۱ تا ۷-۴۲۲ تروریسم، مصادیق آن، و مجازات‌های آن بیان شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در مواد ۱۶-۷۰۶ به بعد نیز تعقیب، تحقیق، و دادرسی ویژه‌ای در اعمال تروریستی پیش‌بینی شده است. بنابراین در این جا می‌توان از افتراقی‌شدن رسیدگی‌های جرائم تروریستی نیز سخن به میان آورد. قانون جزای فرانسه در ماده ۲-۴۲۱ اشعار می‌دارد:

وارد کردن عمدی ماده‌ای که سلامت انسان، حیوانات، یا محیط طبیعی را به‌خطر می‌اندازد در هوا، خاک، و لایه زیرین خاک، مواد غذایی یا عناصر مواد غذایی، یا در آب‌ها، از جمله قلمرو دریایی، در صورتی که در ارتباط با یک اقدام فردی یا جمعی و به‌هدف اخلال شدید در نظم عمومی از راه هراس‌افکنی یا ایجاد ترس صورت گیرد نیز یک عمل تروریستی محسوب می‌گردد.

نظام حقوقی فرانسه در این امر، در جایگاه یک نظام حقوقی پیش‌تاز، در قانون جزای جدید ۱۹۹۲، اجرایی‌شده در ۱۹۹۴، این دو جرم را از هم تفکیک کرده و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز رسیدگی‌ها و تشکیلات و ... نیز افتراقی شده است. در نظام حقوقی ایران نیز مفهوم تروریسم زیست‌محیطی در قسمتی از ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ذیل جرم افساد فی‌الارض مطرح شده است. علت اصلی و مهم تأکید بر تفکیک این دو مفهوم از هم علاوه بر مجازات در قسمت رسیدگی‌ها مشخص می‌شود؛ چراکه متهم یک جرم تروریستی حقوق دفاعی محدودتری دارد و سخت‌گیری در تروریسم زیست‌محیطی دراصل باید بیش‌تر از جرم زیست‌محیطی باشد (نباتی ۱۳۹۸: ۵۹) و امروزه نیز در جرائم تروریستی شاهد آن هستیم که آیین دادرسی نیز با هدف تسهیل تعقیب و

محاکمه متهمان به‌طور عمیق دگرگون شده است (آنسل ۱۳۹۱: ۱۱۳). البته باید به کرامت اشخاص و دیگر مؤلفه‌های الزامات اخلاقی نیز در فرایند دادرسی توجه داشت (غلامی و مؤذن‌زادگان ۱۳۹۶: ۳۸).

آیین دادرسی کیفری سبز درباره جرایم زیست‌محیطی افتراقی و تخصصی است و منظور از افتراقی شدن اختصاصی شدن عدالت کیفری نیست؛ زیرا اختصاصی کردن عدالت کیفری قلمرویی محدود و مبتنی بر صلاحیت ذاتی دارد، مثل دادگاه انقلاب. یکی از اصول آیین دادرسی کیفری اصل ممنوعیت تشکیل دادگاه‌های اختصاصی است (زراعت ۱۳۹۲: ۳۲) و منظور از آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم زیست‌محیطی آیین دادرسی تخصصی و فنی است. درخصوص تروریسم زیست‌محیطی نیز باید آیین دادرسی افتراقی تخصصی حاکم باشد، چراکه تروریسم زیست‌محیطی نیز یکی از اقسام جرایم سبز است.

در حقوق کیفری ایران جلوه‌هایی از آیین دادرسی کیفری افتراقی سبز در ساختار و کنش‌گران دیده می‌شود، اما همه خصیصه‌های آیین دادرسی کیفری افتراقی را ندارد. به‌طور کلی، نبود ساختار و کنش‌گرانی متخصص در این حوزه عامل بسیاری از ناکامی‌ها در حقوق کیفری در مقابله با جرایم زیست‌محیطی است؛ ازاین‌رو، در تحقیق پیش‌رو علاوه بر ذکر جلوه‌ها، بایسته‌های لازم درخصوص ساختار و کنش‌گران دادرسی کیفری سبز نیز بررسی می‌شود.

مطالب این تحقیق به دو دسته ساختار و کنش‌گران در حوزه رسیدگی به جرم‌های سبز تقسیم می‌شود که در هر گفتار علاوه بر بررسی جلوه‌ها، بایسته‌هایی که باید در رسیدگی به جرایم سبز مدنظر قرار گیرد نیز بررسی می‌شود.

## ۲. روش افتراقی‌سازی ساختار دادرسی کیفری

در این مبحث ساختار و تشکیلات عدالت کیفری بررسی می‌شود. در قسمت ساختار نهادهای رسیدگی‌کننده به جرم‌های سبز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ناگفته نماند که در هر گفتار ابتدا وضعیت موجود درخصوص ساختار و تشکیلات بررسی و تحلیل می‌شود و سپس لوازم و بایسته‌های رسیدگی‌های افتراقی به جرم‌های سبز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، در گفتار نخست، «هست‌ها» و در گفتار دوم، «بایدها» مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. جرم‌های سبز، همان‌طور که در بخش نخست نیز توضیح دادیم، به دو دسته «جرایم زیست‌محیطی» و «تروریسم زیست‌محیطی» تقسیم‌بندی می‌شود که متأسفانه در

نظام حقوقی ما فقط جرائم زیست‌محیطی به رسمیت شناخته شده است و شناسایی تروریسم زیست‌محیطی در نظام حقوقی ما به تبع شناسایی نشدن تروریسم به رسمیت شناخته نشده است. البته تنها جرم‌انگاری مشابهی که در این زمینه صورت گرفته است ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که برخی از مصادیق تروریسم زیست‌محیطی را ذیل افساد فی الارض مطرح کرده است؛ از این رو، در خصوص رسیدگی به جرم‌های سبز با مراجع رسیدگی‌کننده مختلفی مواجهیم.

در حال حاضر، رسیدگی به جرم‌های سبز در مراحل مختلف پیش‌دادرسی و دادرسی تاحدودی ساختارمند شده است. در این قسمت از بحث به منظور آشنایی با ساختار و تشکیلات حاکم بر رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی ابتدا وضعیت افتراقی‌سازی و سپس بایسته‌های لازم در این خصوص بررسی می‌شود.

## ۱.۲ دادرسی تخصصی

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای نخستین بار در حوزه محیط زیست سند فرابخشی ارائه شد که مقام مجری این سیاست‌ها دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ مقرر شده است: «پیش‌گیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت». بدیهی است که مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را داشته باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادرسی و دادگاه‌های تخصصی یا افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصفه ظهور می‌رسد.

در بخشی از اصل ده اعلامیه ریو نیز آمده است: «دستیابی و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین شود». این مقرر نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل مشاهده و نیازمند توجه است. مرحله ابتدایی، دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرائم زیست‌محیطی؛ مرحله میانی، دسترسی به فرایندی که عادلانه و مؤثر باشد؛ و مرحله نهایی، دسترسی به لوازم اجرایی و جبران خسارت‌هایی است که تصمیم دادگاه را تأمین کند و به منظور پیش‌گیری و جبران صدمات محیط زیست پذیرفتنی باشد (White 2013: 269).

اصل سیزدهم اعلامیه ریو مقرر می‌دارد:

کشورها باید قوانین ملی به منظور تعقیب عادلانهٔ عاملان آلودگی محیط زیست و قربانیان آن را تدوین کنند. علاوه بر این، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت جهت تنظیم یک سری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پی‌آمدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری نمایند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند، باشند (جوان جعفری و حاجی‌وند ۱۴۰۰: ۱۹۷).

در آیین دادرسی کیفری دو هدف اصلی و عمده دنبال می‌شود: یکی، اعادهٔ نظم لطمه‌دیده از جرم از طریق سازمان‌دهی نهادهای عدالت کیفری و دیگری، حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزه‌کاری (خالقی ۱۳۹۶: ۲۱). این اهداف که باید به یک اندازه مورد توجه نظام حقوقی قرار بگیرند محقق نمی‌شود، مگر با تخصصی‌کردن و افتراقی‌کردن در حوزهٔ جرائم فنی و تخصصی.

دادرسی عمومی انقلاب یک مرجع ابتدایی رسیدگی به جرائم با صلاحیت کیفری عام است. بدین معنا اصل بر این است که دادرسی عمومی و انقلاب حق اقدام به رسیدگی و تعقیب تمامی جرائم را دارد، مگر مواردی که به موجب قانون استثناء شده باشد. به این ترتیب، اصل بر صلاحیت عام دادرسی عمومی و انقلاب است، اما در سال‌های اخیر، به‌ویژه در دو دههٔ گذشته، در قلمرو حقوق کیفری پاره‌ای از شاخه‌های فنی و تخصصی ظهور کرده‌اند، مانند حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری سایبری، و ... و این رشته‌ها دانش‌هایی میان‌رشته‌ای بین رشتهٔ حقوق و دیگر رشته‌ها مانند حقوق و اقتصاد و ... است. در نتیجه، تعامل رشته‌های گوناگون نظام دادرسی کیفری را به سوی سوق داده است که برای رسیدگی به این دسته از جرائم اشراف محض به مسائل حقوقی کافی نیست، بلکه مقامات رسیدگی‌کننده باید از دیگر دانش‌ها نیز اطلاعات و آگاهی داشته باشند (نیازپور ۱۳۹۶: ۱۱۳). از این رو، افتراقی‌سازی رسیدگی‌های جرائم فنی و تخصصی، هم‌چون جرائم سبزی، باید در ابتدا ناظر به مرحلهٔ پیش‌دادرسی باشد. به عبارت دیگر، اگر مرحلهٔ پیش‌دادرسی، که سنگ‌بنای دادرسی است، تخصصی باشد، می‌توان انتظار داشت که در مرحلهٔ دادرسی رسیدگی‌های عادلانه و منصفانه‌ای رقم بخورد. این مهم در نظام حقوقی ما تا حدودی به تحقق پیوسته است.



در حال حاضر، در نظام حقوقی ایران با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شاهد گسترش دادرسی‌های تخصصی هستیم. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که دادرسی‌های تخصصی تشکیل دهد که در واقع پیام‌آور بحث افتراقی‌شدن و فنی‌شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش‌دادرسی به‌خصوص در جرائمی است که مجرمان آن حالت خطرناک‌تری دارند.

دادرسی تخصصی رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی امروزه در شهرستان‌های مختلف تشکیل شده است و هم‌اکنون در تهران با عنوان «دادرسی انفال و منابع طبیعی» مشغول به کار است. عنوان این دادرسی پیش از این «دادرسی ویژه شهرداری و زمین‌خواری» بود که از سال ۱۳۸۳ فعالیت می‌کرد. البته لزوم برخورد و رسیدگی‌های افتراقی از سالیان دورتری مورد توجه قوه قضائیه بود، به گونه‌ای که رئیس قوه قضائیه وقت با ابلاغ بخش‌نامه شماره ۱/۷۹/۵۸۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳ به دادگستری‌های سراسر کشور تشکیل شعبه‌های تخصصی را به‌منظور رسیدگی به شکایت‌های اداره‌های منابع طبیعی، محیط زیست، و بهداشت و درمان متذکر شده بودند.

دادرسی رسیدگی‌کننده به جرائم زیست‌محیطی دادرسی اختصاصی نیست، بلکه شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب است که به‌صورت تخصصی تحقیقات مقدماتی جرائم سبز را انجام می‌دهد. در یک تقسیم‌بندی کلی مراجع قضایی به مراجع عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. در مواد ۳ و ۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه، مصوب ۱۳۰۷، پیش‌بینی شده بود که محاکم عمومی آن است که حق رسیدگی به تمامی دعاوی را دارد غیر آنچه قانون به‌صراحت استثناء کرده است. محاکم اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارد، غیر آنچه قانون به‌صراحت اجازه داده است. با توجه به تخصصی‌بودن این دادرسی و فقدان شخصیت حقوقی مستقل از دادرسی عمومی و انقلاب ارجاع دیگر پرونده‌ها به آن ممنوعیتی ندارد.

صرف وجود دادرسی تخصصی رسیدگی به جرائم زیست‌محیطی کافی به‌نظر نمی‌رسد، بلکه کنش‌گران آن نیز باید آموزش‌های لازم را دیده باشند و از بایسته‌های حقوق محیط زیست آگاهی کامل داشته باشند که این مهم در قسمت کنش‌گران شرح داده خواهد شد.

دادرسی عمومی انقلاب یک مرجع ابتدایی رسیدگی به جرائم با صلاحیت کیفری عام است. بدین معنا، اصل بر این است که دادرسی عمومی و انقلاب حق اقدام به رسیدگی و تعقیب تمامی جرائم را دارد، مگر مواردی که به‌موجب قانون استثناء شده باشد.

به نظر می‌رسد که یکی از بایسته‌های افتراقی‌سازی این باشد که در تمامی شهرستان‌ها درمورد تأسیس دادرهای تخصصی جرائم سبز اقدام شود. تأسیس این نوع از دادرها به علت تخصصی بودن و کنش‌گران متخصصی که خواهد داشت، مرحله پیش‌دادرسی را تقویت خواهد کرد و جلوه‌ای تخصصی و افتراقی به آن خواهد بخشید.

## ۲.۲ مراجع رسیدگی‌کننده به جرائم فنی و تخصصی

در حال حاضر، رسیدگی به جرائم سبز در مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی انجام می‌شود که هر یک از این موارد را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

### ۱.۲.۲ مراجع قضایی تخصص محور

جرائم سبز در مراجع عمومی و اختصاصی قضایی رسیدگی می‌شوند. از آنجایی که قانون‌گذار دادرسی یک مرحله‌ای را مورد پذیرش قرار نداده است، مراحل متعددی در قانون پیش‌بینی شده است تا حکم قطعی و لازم‌الاجرا شود که این عمل دقت قضایی را بالا می‌برد (گلدوست جویباری ۱۳۹۴: ۲۲۹). از این رو، مراجع قضایی را در دو قسمت مراجع بدوی و مراجع رسیدگی مجدد مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مراجع قضایی، که از مراجع بدوی رسیدگی‌کننده به جرائم سبز به‌شمار می‌روند، به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم‌بندی می‌شوند. مراجع عمومی قضایی رسیدگی‌کننده به جرم‌های سبز به دو دسته «دادگاه‌های کیفری یک» و «دادگاه‌های کیفری دو» تقسیم می‌شود. ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد»؛ از این رو، رسیدگی به جرائم سبز نیز در تخصص دادگاه کیفری دو است که صلاحیت عام رسیدگی به تمامی جرائم را دارد، مگر جرم‌های سبزی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب یا یک مرجع غیرقضایی قرار گرفته باشد. برخی از جرائم زیست‌محیطی هم چون جرائم موضوع مواد ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، و ... قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، با توجه به عدم تصریح دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.

در حال حاضر، تنها مرجع اختصاصی که به جرم تروریسم زیست‌محیطی ذیل عنوان «افساد فی الارض» رسیدگی می‌کند، که همان تروریسم زیست‌محیطی است، دادگاه انقلاب

است. دادگاه اختصاصی دادگاهی است که صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرائم خاصی را دارد و این دادگاه را نباید با دادگاه تخصصی یک‌سان دانست، زیرا دادگاه تخصصی درحقیقت شعبه‌ای از دادگاه عمومی است.

دادگاه انقلاب دادگاهی اختصاصی برای رسیدگی به جرائم تروریستی و تروریسم زیست‌محیطی محسوب نمی‌شود، چراکه دادگاه انقلاب با هدف رسیدگی به جرائم علیه انقلاب تشکیل شده است. البته در حال حاضر صلاحیتی فراتر از جرائم علیه انقلاب دارد و به برخی جرائم دیگر نیز رسیدگی می‌کند.

در ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد بیان شده است.

در خصوص بند «الف» که افساد فی‌الارض را بیان کرده است باید به تعریف قانونی افساد فی‌الارض مراجعه کرد. مقنن ایرانی برخی از مصادیق تروریسم را ذیل عنوان افساد فی‌الارض مطرح کرده است. در واقع، مقنن ایرانی از دیدگاه تفکیک محاربه از افساد فی‌الارض تبعیت کرده و افساد فی‌الارض را به معنای مطلق تلاش برای ایجاد فساد در نظر گرفته است. رفتار مجرمانه تروریسم زیست‌محیطی را می‌توان جزو سه دسته از مصادیق یادشده در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دانست:

الف) جنایات علیه تمامیت جسمانی افراد؛

ب) پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک؛

ج) احراق و تخریب.

بر اساس این ماده، برخی از مصادیق تروریسم زیست‌محیطی در صورتی که با شرایط این ماده انجام شوند، از مصادیق افساد فی‌الارض دانسته شده است، بدون این که تعریفی مشخص از تروریسم زیست‌محیطی ارائه شده باشد. هم‌چنین، قانون‌گذار باید ابتدا توسل به مواد سمی و میکروبی و خطرناک را جرم‌انگاری کند، چراکه هریک از مصادیق ذکرشده در این ماده فی‌نفسه یک جرم تعزیری است. البته تروریسم زیست‌محیطی را نمی‌توان ذیل محاربه طرح کرد، چراکه رفتار مجرمانه محارب دست‌بردن به اسلحه یا کشیدن سلاح روی مردم است، در حالی که در تروریسم زیست‌محیطی دست‌بردن به سلاح در معنایی که در محاربه ذکر می‌شود مشهود نیست (جوان جعفری و حاجی‌وند ۱۴۰۰: ۱۹۷).

در بیوتروریسم مواد میکروبی به‌راحتی قابلیت شیوع دارد و نیازی به تکرار یا تعدد جرم ندارد، اما باز هم این ماده دارای ابهام است. تروریسم زیست‌محیطی، که در نظام حقوقی ما به‌صورت مصدق‌ی از افساد فی‌الارض آمده است، لزوماً به قتل منجر نمی‌شود، اما اگر به قتل منجر شد، علاوه‌بر مجازات قتل عمدی، که حسب‌مورد می‌تواند قصاص یا تعزیر باشد، رفتار مرتکب نیز می‌تواند شامل حد افساد فی‌الارض قرار بگیرد که در این صورت دادرسی باید مواد ۱۳۳ و ۱۳۵ قانون مجازات اسلامی را در خصوص تعدد جرم رعایت کند.

مفهوم تروریسم زیست‌محیطی تا حدودی قابلیت انطباق با عنوان‌های مختلف را در فقه و نظام حقوقی ایران دارد، اما با توجه به جدید بودن این مفهوم باید آن را مانند کشور فرانسه به‌صورت مستقل جرم‌انگاری کرد و یک سیاست جنایی ویژه در مورد آن اتخاذ کرد. ناگفته نماند که در جرائم مربوط به حقوق عامه هم چون جرائم علیه بهداشت عمومی یا محیط زیست و نظایر آنها، رئیس قوه قضائیه می‌تواند براساس ماده ۲۹۳ به درخواست دادستان کل کشور اعاده دادرسی را تجویز کند. ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه، و امور محجورین و غایب مفقودالاثربی سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد، به‌طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده ۴۷۷ به رئیس قوه قضائیه اعلام می‌کند.

اما به نظر می‌رسد که این نوع از اعاده دادرسی، که مبتنی بر جهات خاصی نیست و در اختیار مقام خاصی است، «قطعیت» را، که از مؤلفه‌های بازدارندگی است، زیر سؤال می‌برد و آن را با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

## ۲.۲.۲ مرجع پیرافضایی تخصص محور

منظور از مراجع غیرقضایی رسیدگی مراجعی است که از افرادی غیر از دارندگان پایه قضایی تشکیل شده و به‌تنهایی یا در کنار مراجع قضایی در رسیدگی به برخی جرائم دخالت دارند. در حال حاضر، سه دسته در نظام دادرسی کیفری ایران وجود دارد که عبارت‌اند از: هیئت منصفه، شورای حل اختلاف، و سازمان تعزیرات حکومتی (خالقی ۱۳۹۶: ۹۰).

میزان جزاهای مقرر در قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ به‌صورت قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافته و با اصلاح قانون شورای حل اختلاف در سال ۱۳۹۴ این شورا دیگر

جایگاهی در رسیدگی به پرونده‌های زیست‌محیطی ندارد و این امر پیشرفت خوبی است، چراکه سهل‌گیری‌ها در این دسته از جرائم مناسب نیست و نیز اشخاصی که در شورای حل اختلاف‌اند با بایسته‌های حقوق محیط زیست آشنایی ندارند. با این اوصاف، نظام حقوقی ما در مقایسه با برخی نظام‌های حقوقی دیگر پسندیده و درخور توجه است، چراکه در نظام حقوقی انگلستان رسیدگی به برخی از جرائم زیست‌محیطی در صلاحیت محاکم صلح است (باقری ۱۳۹۶: ۱۱۳) و این ایرادی جدی است، چراکه قضاتی که در این محکمه‌اند با مسائل حقوقی آشنایی کاملی ندارند.

به‌موجب رأی وحدت‌رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۲۴ / ۱ / ۱۳۹۵:

نظر به این‌که حمل چوب و هیزم و ذغال حاصل از درختان جنگلی به شرحی که در ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع آمده ممنوع است و با عنایت به این‌که قانون مجازات مرتکبان قاچاق که ماده مذکور مجازات مرتکبان عمل را به آن احاله کرده استطبق ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۲ نسخ شده است، بنابراین باتوجه به مقررات ماده ۱۸ آن قانون، عمل ارتكابی تخلف محسوب می‌شود و رسیدگی به آن طبق ماده ۴۴ قانون مذکور در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است.

برخی از نویسندگان درخصوص رأی وحدت‌رویه دیوان عالی کشور نظری مثبت داده‌اند و آن را هم‌سو با هیات زیست‌محیطی و عدالت زیست‌محیطی تلقی کرده‌اند (محسنی ۱۳۹۶: ۱۰۷). در این‌که حفظ جنگل‌ها از طریق رسیدگی‌های عادلانه صورت می‌پذیرد شکی نیست، اما به‌نظر می‌رسد رأی وحدت‌رویه از این نظر که دیوان عالی کشور حمل چوب و هیزم و ذغال حاصل از درختان جنگلی را تخلف محسوب کرده قابل نقد است. امروزه یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست این است که حمایتی همه‌جانبه از محیط زیست صورت گیرد، چراکه حقوق جزا به‌منزله آخرین راه‌حل زمانی پا به عرصه می‌گذارد که بنیادی‌ترین ارزش‌ها و حقوق انسانی زیر پا گذاشته شود. در این بحران هیزم دیوان عالی کشور حمل چنین چیزی را تخلف می‌انگارد؟ با این وصف گویی که سازمان تعزیرات حکومتی، که سازمانی غیرقضایی است، یک محکمه است. باین‌حال، این رأی وحدت‌رویه با قصد خیری که داشته (قضازدایی) تضمینی کافی به‌منظور حمایت از محیط زیست ارائه نداده است و درمجموع قابل نقد است.

### ۳.۲ لزوم تشکیل دادگاه‌های تخصصی (استفاده از ظرفیت ماده ۵۶۶ قانون آ.د.ک)

یکی از ظرفیت‌های قانونی یا به عبارت دیگر یکی از الزامات قانونی موجود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در زمینه تشکیل دادگاه‌های تخصصی، ماده ۵۶۶ این قانون است. ماده ۵۶۶ این قانون مقرر می‌دارد: «تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلف‌اند باتوجه به نوع دعوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند». باوجود تصریح این ماده به لزوم تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی تاکنون هیچ‌گونه تلاشی برای این اقدامات، حداقل در حیطه جرائم سبز، مشاهده نشده است.

درخصوص برخی از جرائم سبز، هم‌چون جرائم سازمان‌یافته زیست‌محیطی، لازم است تا دادگاه‌ها سخت‌گیری‌هایی را در نظر داشته باشند؛ اما باتوجه به مفهوم خاصی که در نظام حقوقی ایران از دادگاه تخصصی وجود دارد بهتر است به دادگاه‌های حل مسئله‌محور توجه داشته باشیم. دادگاه‌های حل مسئله‌محور، که در کشورهایمانند آمریکا، استرالیا، و کانادا تشکیل شده است (عزیزی ۱۳۹۷: ۷۷؛ وایت ۱۳۹۹: ۲۸)، سعی خود را بر این استوار کرده‌اند که علل زیربنایی جرم را از بین ببرند؛ ازاین‌رو، این دادگاه‌ها تخصصی نیز نامیده شده‌اند. البته تخصصی بودن این دادگاه‌ها معادل دادگاه‌های تخصصی نظام حقوقی ایران نیست، چراکه دادرها و دادگاه‌های تخصصی در نظام حقوقی ایران به موازات دادرسی عمومی عمل می‌کنند. در دادگاه‌های حل مسئله‌محور زیست‌محیطی ضابطان و قضات متخصص‌اند، اما لزوماً به موازات دادرسی عمومی عمل نمی‌کنند، بلکه بسته به مورد خاص خود (جرم مورد رسیدگی) محدودیت‌هایی را نیز در دادرسی در نظر می‌گیرند. در نظام حقوقی ایران نیز تشکیل دادگاه‌های حل مسئله‌محور زیست‌محیطی لازم و ضروری است تا در قیدوبندهای راجع به تخصصی بودن دادگاه‌های تخصصی فعلی نمایم.

### ۳. روش دوم: استفاده از کنش گران متخصص

اجرا و رعایت قوانین زیست‌محیطی مستلزم مجموعه‌ای از کنش‌گران و قوانین هم‌راه و هم‌گام است. کنش‌گران در هر حوزه نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای رویه‌ها و به‌طور ویژه در دستیابی به اهداف موردنظر دستگاه قضایی و نظام دادرسی ایفا می‌کنند. مطالب این مبحث نیز در دو گفتار مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در گفتار نخست کنش‌گران قضایی و در گفتار دوم کنش‌گران پیراقضایی موردشناسایی قرار می‌گیرند.

### ۱.۳ کنش‌گران قضایی متخصص

کنش‌گران تخصصی باعث پیشرفت در حوزه رسیدگی‌های تخصصی و افتراقی به جرم‌های تخصصی هم‌چون جرم‌های سبز می‌شوند. در این گفتار کنش‌گران قضایی بررسی می‌شود. منظور از کنش‌گران قضایی کارگزارانی است که در فرایند قضایی عدالت کیفری سبز فعالیت دارند که در این قسمت صحبت از قاضی متخصص می‌شود و در ذیل بررسی می‌شود.

#### ۱.۱.۳ قضات رسیدگی‌کننده صاحب تخصص

اگر قوانین مربوط به محیط زیست با دقت و باتوجه‌به اصول و اهداف نظام حقوق کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف قوانین مربوط اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست می‌شود و در عمل در این حوزه توفیقی به دست نمی‌آید (کوشکی ۱۳۸۸: ۱۰۱). امروزه باتوجه‌به فنی و تخصصی‌بودن جرائم سبز قضات رسیدگی‌کننده باید با بایسته‌های حقوق محیط زیست آشنایی لازم را داشته باشند. اما متأسفانه در نظام حقوقی ما کنش‌گران مرحله پیش‌دادرسی و دادرسی آموزش‌هایی را در این زمینه نمی‌بینند و می‌توان به‌طور قاطع گفت که اگر هم دادرسی تخصصی وجود دارد، فقط عنوانش تخصصی است.

گاهی دیده می‌شود که قضات از قوه مجریه دفاع می‌کنند و با این توجیه که نصب سیستم جلوگیری‌کننده از آلودگی محیط زیست یا تغییر محل کارگاه به منبع مالی هنگفتی نیاز دارد که خارج از توان دولت است یا تعطیلی کارخانه باعث بی‌کاری کارگران می‌شود و در نتیجه برای مشتکی‌عنه قرار منع تعقیب صادر می‌کنند. برای نمونه، می‌توان به نظر بازپرس دادرسی میاندوآب در صدور قرار منع تعقیب در رسیدگی به شکایات مورخ ۱۳۶۳/۸/۸ اداره حفاظت از محیط زیست میاندوآب از مدیرعامل کارخانه قند میاندوآب اشاره کرد که مورد تأیید دادستان نیز قرار گرفته بود. مشارک‌لیه در جلسه رسیدگی به شکایت یادشده در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۸ چنین استدلال می‌کند:

جهت جلوگیری از آلودگی آب رودخانه زربینه‌رود به فرض صحت کامل ادعای اداره شاکي مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت جهت تعبیه و نصب دستگاه‌های عظیم تصفیه آب و ... جهت جلوگیری از ریزش فاضلاب هرگونه تأسیسات از جمله فاضلاب بیمارستان عباسی و خانه‌های مسکونی واقع در اکناف رودخانه مذکور می‌باشد ... که



نه تنها از عهده کارخانه قند میاندوآب، بلکه احتمالاً از عهده دولت نیز خارج است (قوام ۱۳۷۵: ۱۴۷).

به نظر می‌رسد، در رسیدگی به جرم‌های سبز باید سیستم تعدد قاضی حاکم باشد و قضات آن از کسانی انتخاب شوند که فارغ‌التحصیل حقوق محیط زیست یا حقوق کیفری (آشنا با مسائل زیست‌محیطی) باشند. البته آموزش‌های مداوم این دسته از قضات با هدف رویارویی با جرائم فنی علیه محیط زیست امری لازم و ضروری است. آشنایی این دسته از قضات با تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی حیاتی است. متأسفانه، امروزه با وجود تصریح ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». قضات با این دسته از تعهدات بین‌المللی آشنایی ندارند یا این که اعتقاد و میلی به تعهدات بین‌المللی ندارند؛ در حالی که آشنایی کامل و باور به این که عمل به تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی موجب شکوفاتر شدن محیط زیست و حفظ آن در مقابل تخریب و آلودگی می‌شود یکی از مهم‌ترین بایسته‌های افتراقی‌کردن و تخصصی‌کردن رسیدگی به جرائم سبز است.

### ۲.۱.۳ ضابطان متخصص

در این قسمت از بحث ضابطان خاص را به اعتبار وضعیت ضابط‌بودن آنان در جرائم سبز در دو قسم «ضابطان سبز» و «ضابطان پیراسبز» مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۱.۲.۱.۳ ضابطان اولیه

منظور از «ضابطان سبز» ضابطانی است که به صراحت به موجب قوانین خاص ضابط محسوب می‌شوند که در این بخش این موارد بررسی می‌شود.

الف) مأموران جنگل‌بانی، مطابق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، مصوب ۱۳۴۶؛

ب) مأموران شکاربانی، مطابق ماده ۱۹ قانون شکار و صید، مصوب ۱۳۴۶ و ماده ۱۵ قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست، مصوب ۱۳۵۳؛

ج) مأموران سازمان بنادر و دریانوردی، محیط زیست و شیلات، به موجب ماده ۱۲ قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتی‌رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی، مصوب ۱۳۸۹؛



نقدی بر روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) ... (امیر فلک‌الدین و دیگران) ۳۹۳

(د) ناظران شرعی بر ذبح دام، پرندگان و صید آبیان، به‌موجب ماده ۸ قانون نظارت شرعی بر ذبح و صید، مصوب ۱۳۸۷؛

(ه) ضابطان قانون هوای پاک، به‌موجب ماده ۳۱ قانون هوای پاک، مصوب ۱۳۹۶؛

(و) ضابطان پس‌ماندها، به‌موجب ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پس‌ماندها، مصوب ۱۳۸۴/۵/۱۰.

### ۲.۲.۱.۳ ضابطان پیراسبز (تخصص محور)

ضابطان پیراسبز به دو دسته تقسیم می‌شوند که در دو قسمت آن‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

- مأمورانی که در قانون به ضابط‌بودن آنان تصریح نشده، اما گزارش آنان در حکم گزارش ضابطان است:

۱. مأموران شهرداری، مطابق ماده ۷ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، مصوب ۱۳۵۹؛

۲. مأموران وزارت جهاد کشاورزی، مطابق ماده ۱۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درخت، مصوب ۱۳۵۲ و ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب؛

۳. مأموران وزارت نیرو، مطابق ماده ۳۰ قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱۰ قانون سازمان برق ایران، مصوب ۱۳۴۶.

- مأمورانی که در قانون به‌صراحت به ضابط‌بودن آنان تصریح نشده، بلکه تکالیف ضابطان به آنان واگذار شده است:

۱. مأموران وزارت جهاد کشاورزی، مطابق تبصره ۲ ماده ۳ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها، مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات بعدی، تکلیف ضابطان را دارند، اما به‌صراحت سخنی در خصوص ضابط‌بودن آن‌ها به میان نیامده است.

دسته اول این ضابطان به‌صراحت در قانون ضابط دادگستری محسوب شده‌اند و در صورت گذراندن دوره‌های آموزشی موردنیاز و اخذ کارت مربوط در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری‌اند و از تمامی وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری برخوردارند و مسئولیت‌های ضابطان را نیز برعهده دارند. اما دسته دوم و سوم ضابط محسوب

نمی‌شوند، اگرچه برخی از وظایف ضابطان را انجام می‌دهند. در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱/۷/۱۳۹۴ رئیس قوه قضائیه مقرر شده است که «مأمورانی که گزارش آن‌ها به موجب قانون به منزله گزارش ضابطان دادگستری است، هم‌چنین مأمورانی که در قانون صراحتاً به ضابط بودن آن‌ها اشاره نشده، اما قانوناً تکالیفی مشابه ضابطان دادگستری به آن‌ها محول شده است مشمول این آیین‌نامه نمی‌شوند»؛ از این رو، شرط انجام وظیفه مأموران دسته‌های دوم و سوم گذراندن دوره‌های آموزشی خاص و اخذ کارت نیست.

ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دادرها و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان هستند. به علت ماهیت خاص جرم‌های سبز قانون‌گذار اغلب کشورها و از جمله ایران برای تعقیب این جرائم ضابطان خاصی را پیش‌بینی کرده است.

خصیصه‌های جرم‌شناختی بزه‌کاران و جرائم سبز و بزه‌دیدگی جمعی در این دسته از جرائم اقتضا می‌کند که در کنار دادرهای تخصصی جرائم سبز وظایف مربوط به ضابطان در مورد جرائم سبز و تحقیق و بازجویی از مرتکبان را ضابطان آموزش‌دیده انجام دهند. از این رو، مسئله تشکیل ضابطان یا پلیس تخصصی باید مورد توجه قانون‌گذار قرار بگیرد. ضابطان تخصصی و آموزش‌دیده و پلیس ویژه برای جرائم سبز برای ارتقای عملکرد نظام حقوقی لازم و ضروری است. در فلوریدا ضابطان قضایی حیات وحش علاوه بر آن‌که به جرائم این حوزه رسیدگی می‌کنند، مسئول برخورد با دیگر جرائم نیز هستند. این امر بدان علت است که آن‌ها زیرمجموعه قانون عام ضابطان قضایی اند، اما در مقابل، نیروهای پلیس در هلند تخصص‌محورند و فقط در حوزه مربوط به خود فعالیت می‌کنند. از این رو، پلیس حمایت از محیط زیست فقط به جرائم این حوزه رسیدگی می‌کند. در انگلستان افسران حیات وحش وجود دارند که به مسائل این حوزه رسیدگی می‌کنند. در اسکاتلند نیز پلیس سبز تشکیل شده است (White 2017: 56). شاید علت تشکیل پلیس تخصصی ماهیت خاص جرائم سبز است، به طوری که هر جرم مستلزم پاسخ ویژه‌ای است. در حال حاضر، ضابطان خاصی که در جرائم زیست‌محیطی وجود دارند آموزش‌های عمومی را می‌گذرانند، نه آموزش‌های فنی و تخصصی در حوزه جرائم سبز. از این منظر، نظام حقوقی ما با ضعف جدی مواجه است و همین امر توجیه‌کننده تشکیل پلیس تخصصی و اهمیت آموزش فنی و تخصصی به ضابطان جرائم سبز است.

### ۲.۳ کنش‌گر سبز پیراقضایی

در دادرسی افتراقی سبز صرف فعالیت قضات متخصص کافی به‌نظر نمی‌رسد و وجود کنش‌گران پیراقضایی نه‌تنها مفید، بلکه ضروری است. کنش‌گران پیراقضایی کنش‌گرانی هستند که خارج از دست‌اندرکاران قضایی‌اند و تأثیر آن‌ها در تحقق عدالت زیست‌محیطی باتوجه‌به تخصصی که دارند مهم ارزیابی می‌شود.

### ۱.۲.۳ سازمان‌های مردم‌نهاد

نهادهای غیردولتی یا دادستان‌های خصوصی می‌توانند از انحصارگرایی دولتی پیش‌گیری کنند و می‌توانند در منطقی‌کردن سیاست‌ها نقش ایفا کنند. فلسفه نقش‌آفرینی این نهادها حمایت از ارزش‌های اجتماعی و منافع عمومی و بزه‌دیدگان است. هریک از اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در حفظ محیط زیست ایفای نقش کنند، اما تأثیر هریک از آن‌ها یک‌سان نیست، برخی به‌تناسب موقعیت رسمی ایفای نقش می‌کنند و برخی نیز به‌لحاظ فعالیت‌های غیررسمی تعیین‌کننده خود. دسته دوم همان سازمان‌های غیردولتی‌اند که متأسفانه در کشور ما نقش ناچیزی در ایفای نقش در دادرسی زیست‌محیطی دارند. دادخواهی زیست‌محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط زیست سالم است، حقی که به همه افراد و همه شهروندان اجازه می‌دهد در موارد تخریب یا آلودگی محیط زیست علاوه‌براین که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم کرده‌اند، به‌منظور نفع عمومی اقامه دعوی کنند. از این‌رو، افراد و سازمان‌های غیردولتی باید بتوانند از موارد نقض این حق به مراجع اداری و به‌ویژه قضایی شکایت کنند که تحقق این امر باعث پیش‌گیری مشارکتی از جرائم زیست‌محیطی می‌شود (میرکمالی و حاجی‌وند ۱۳۹۶: ۶۸).

مقنن به‌منظور حمایت از بزه‌دیده و مشارکت‌دادن نهادهای مدنی در فرایند کیفری برای اعلام جرم توجه خاصی به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد کرده است. این سازمان‌ها، یعنی مؤسسات غیردولتی غیرانتفاعی، وقتی که در جایگاه بزه‌دیده واقع می‌شوند می‌توانند اقدام به شکایت کیفری کنند، در غیراین صورت، اعلام‌کننده جرم‌اند، اما قانون آیین دادرسی کیفری جایگاه آنان را از اعلام‌کننده صرف به دنبال‌کننده فعال ارتقا داده است. بدین ترتیب، سازمان‌های مردم‌نهاد حق اعلام جرم (نه شکایت)، حق معرفی نماینده به‌منظور حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه، و نیز حق ارائه دلیل را دارند. البته دو محدودیت برای دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد: اول، حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد

در ماده ۶۶ حصری است و شامل سازمان‌های مردم‌نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از حیوانات) نمی‌شود. در این باره، مقنن حق تشخیص سازمان‌های فعال در حوزه‌های یادشده را هم از مقامات قضایی سلب کرده بود و اسامی آن‌ها را محدود به فهرستی کرده بود که قوه مجریه و قضائیه تهیه می‌کردند. تبصره ۳ ماده ۶۶ مقرر می‌داشت: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد»، اما خوش‌بختانه بند «پ» ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۰ بهمن ۱۳۹۵ جای‌گزین تبصره ۳ ماده ۶۶ شد. این بند مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی می‌توانند از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ استفاده کنند که از مراجع ذی‌صلاح قانونی ذی‌ربط مجوز اخذ کنند و اگر سه بار متوالی اعلام جرم یک سازمان مردم‌نهاد در محاکم صالحه به‌طور قطعی رد شود، برای یک سال از استفاده از حق مذکور در ماده ۶۶ قانون ذکرشده محروم می‌شوند. این بند جای‌گزین تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون اخیرالذکر می‌شود». دوم، دخالت سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم دارای بزه‌دیده خاص منوط به موافقت او یا ولی یا قیم یا سرپرست قانونی اوست. تبصره ۱ ماده ۶۶ بدین شرح است:

در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون، و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

درست است که شرکت‌سمن‌ها در دادرسی یک حضور تشریفاتی نیست و باید بتوانند ادله خود را ارائه دهند (رمضانی ۱۳۹۶: ۱۵۷)، اما با حذف اقامه دلیل و اعتراض به‌صراحت این حق را ندارند و این ضعفی جدی است. از الفاظ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری این‌گونه برمی‌آید که هدف از اصلاحات محدودکردن سمن‌ها بوده است. آن‌ها می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمامی مراحل دادرسی شرکت کنند. رویه قضایی می‌تواند به‌منظور به‌رسمیت‌شناختن هرچه بیش‌تر سمن‌ها شرکت در تمامی مراحل دادرسی را شامل مرحله پیش‌دادرسی نیز بداند، چراکه ماده اطلاق دارد و شامل مرحله پیش‌دادرسی نیز می‌شود. در این صورت، می‌توان اقامه دلیل را برای آن‌ها

پذیرفت، چراکه ارائه دلیل در مرحله دادرسی که مناسب است و می‌توان هدف مقنن را علنی بودن دادرسی ندانست، زیرا علنی بودن دادرسی شامل محاکمات و ناظر به مرحله دادرسی است. از این رو، اگر اقامه دلیل را با این تفسیر بپذیریم، اعتراض به آرا نیز پذیرفتنی است. تبصره ۲ ماده ۶۶ مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلف‌اند بزه‌دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه آگاه کنند»، اما ضمان اجرایی برای اطلاع‌رسانی نکردن در این خصوص طرح نشده است و ماده ۶۳ نیز، که در مقام بیان ضمانت‌اجرای تخلف ضابطان بوده، اسمی از ماده ۶۶ نبرده است.

به هر صورت، ماده ۶۶ باز هم اصلاحاتی خواهد داشت و امید است که این اصلاحات باتوجه به افزایش مشارکت این دسته از شهروندان باشد. سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها، به منزله مهم‌ترین بازیگران و کنش‌گران غیردولتی، می‌توانند تأثیر مهم و به‌سزایی در دادخواهی‌های زیست‌محیطی داشته باشند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

امروزه افتراقی‌شدن در حوزه دادرسی کیفری نه‌تنها مفید، بلکه لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از حوزه‌هایی که لزوم افتراقی‌شدن به رسیدگی‌ها بیش از گذشته احساس می‌شود جرائم سبز است. جرائم زیست‌محیطی که به‌دنبال صنعتی‌شدن جوامع شکلی مدرن به خود گرفتند امکان تحقق آن‌ها در قلب یک جرم تروریستی نیز تحقق پیدا کرد؛ از این رو، برخی از کشورها هم‌چون فرانسه در نظام تقنینی خود جرمی به نام «تروریسم زیست‌محیطی» را پیش‌بینی کردند و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز افتراقی‌سازی در حوزه رسیدگی به این دسته از جرائم ذیل جرائم تروریستی تحقق پیدا کرد و به این طریق آیین دادرسی آن با آیین دادرسی جرم زیست‌محیطی متفاوت شد، چراکه آیین دادرسی کیفری حاکم بر جرائم زیست‌محیطی تخصصی است و به‌موازات دادرسی عمومی قاضی، ضابطان، دادرها، و دادگاه‌های تخصصی شکل می‌گیرند، اما در تروریسم زیست‌محیطی آیین دادرسی کیفری اختصاصی حاکم است و در این دسته اخیر شاهد سخت‌گیری در رسیدگی هستیم.

در حال حاضر، در نظام حقوقی ایران با پیش‌بینی ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادرهای تخصصی گسترش پیدا کرده است. این ماده به رئیس قوه قضائیه این اختیار را داده است که دادرهای تخصصی تشکیل دهد که در واقع پیام‌آور بحث

افتراقی شدن و فنی شدن رسیدگی‌ها در مرحله پیش‌دادرسی به‌خصوص در جرائمی است که مجرمان آن حالت خطرناک بالاتری دارند. رسیدگی به جرائم سبز در مراجع قضایی و مراجع غیرقضایی انجام می‌شود. کنش‌گران دادرسی سبز نیز با چالش‌های جدی مواجه‌اند که باید مرتفع شود.

به نظر می‌رسد که توجه به پیش‌نهادهایی که در ادامه خواهد آمد می‌تواند در زمینه سیاست کیفری افتراقی رسیدگی به جرائم سبز مؤثر واقع شود:

- لزوم گسترش تشکیل دادرسی‌های تخصصی سبز؛
- لزوم تشکیل دادگاه‌های تخصصی و حذف دادگاه‌های اختصاصی در رسیدگی به جرائم سبز؛
- لزوم استفاده از قضات و ضابطان متخصص (پلیس ویژه سبز) و آموزش مستمر آن‌ها؛
- لزوم شناسایی حق اقامه دلیل و اعتراض به آرا برای سمن‌های سبز.

## کتاب‌نامه

- آنسل، مارک (۱۳۹۱)، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: گنج دانش.
- باقری زرین قبایی، حسین (۱۳۹۶)، *ضمانت‌های کیفری زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران و انگلستان*، تهران: خرسندی.
- جوان جعفری، عبدالرضا و امین حاجی‌وند (۱۴۰۰)، «تحلیل نقش رسانه بر ترویج رفتارهای ناقض حق بر محیط زیست سالم از منظر جرم‌شناسی ادغام‌گرای انتقادی (مطالعه مدل جوامع نئولیبرالیستی)»، *دوفصل‌نامه بین‌المللی حقوق بشر*، ش ۱.
- حاجی‌وند، امین و دیگران (۱۳۹۶)، «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرائم زیست‌محیطی در ایران، ضرورت‌ها و چالش‌ها»، *فصل‌نامه علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۲.
- خالقی، علی (۱۳۹۶)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، تهران: شهر دانش.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰)، «پیش‌گیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۷۵.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۹۹.

نقدی بر روش‌های افتراقی‌سازی (تخصصی‌سازی) ... (امیر فلک‌الدین و دیگران) ۳۹۹

- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و هیوا حاجی‌ملا (۱۳۹۶)، «مداخله سازمان‌های غیردولتی به‌منزله دوست دادگاه در دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها»، فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی، ش ۴.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، تهران: مجد.
- عزیزی، علی (۱۳۹۷)، «اعمال برنامه‌های ترمیمی در دادگاه‌های حل مسئله: چالش‌ها و راه‌کارها»، در: مجموعه چکیده‌مقالات دومین همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی دانشگاه تربیت مدرس، زیرنظر محمد فرجیها، تهران: میزان.
- غلامی، نبی‌الله و حسنعلی مؤذن‌زادگان (۱۳۹۶)، «جایگاه الزامات اخلاقی در فرایند تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله اخلاق زیستی، ش ۲۵.
- قوام، میرعظیم (۱۳۷۵)، حمایت کیفری از محیط زیست، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸)، «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست‌محیطی»، فصل‌نامه اطلاع‌رسانی حقوقی، ش ۱۷-۱۸.
- گلدوست جویباری، رجب، محمد اشرفی، و حسین ناظریان (۱۳۹۱)، «صلاحیت تخصصی یا اختصاصی محاکم کیفری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۸.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران: جنگل.
- محسنی، حسن (۱۳۹۶)، «عدالت زیست‌محیطی و قاچاق چوب، هیزم و زغال جنگلی (نقد و بررسی مبانی رأی وحدت‌رویه شماره ۷۴۹)»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، ش ۱.
- میرکمالی، سیدعلیرضا و امین حاجی‌وند (۱۳۹۶)، «تحلیل پیش‌گیری از جرائم زیست‌محیطی در پرتو دستورالعمل‌های سازمان ملل متحد و اصل اخلاقی پیش‌گیری از ضرر زیستی»، مجله اخلاق زیستی، دوره هفتم، ش ۲۶.
- نباتی، علی و امین حاجی‌وند (۱۳۹۸)، «درآمدی بر جرم‌نگاری و کیفرگذاری افتراقی زیست‌محیطی»، مجله کانون وکلای دادگستری اردبیل، ش ۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۸)، «رویکرد جرم‌شناختی قانون حقوق شهروندی»، در: مجموعه‌مقالات همایش حقوق شهروندی، تهران: گرایش.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۰)، «جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم»، مقدمه بر: دانش‌نامه جرم‌شناسی، علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و حمید هاشم‌بیگی، تهران: گنج دانش.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۶)، درس‌گفتار آیین دادرسی کیفری، کتاب دوم: دعاوی ناشی از جرم، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- وایت، راب (۱۳۹۵)، جرائم زیست‌محیطی فراملی به‌سوی جرم‌شناسی جهان‌بوم، ترجمه حمیدرضا دانش‌ناری، تهران: میزان.

- Catherine, R. (2006), *L'essentiel du Droit de l'environnement*, Gualino editeur.
- Gerard, Lopez (2004), *Stamatios Tzitzis, Dictionnaire de sciences criminelles*, Dalloz.
- Huten, N. (2003), *Les nouveaux fondements constitutionnels du droit de l'environnement, Les apports de la Charte de l'environnement a l'ordre juridique interne*, Thèse en Droit de l'environnement, Université de Paris 1 Panthéon-Sorbonne, et de Paris II Panthéon-Assas.
- Mayaud, Yves (1997), *Le Terrorism*, Paris: Dalloz.
- Prieur, M. (2003), *La Mise en Oeuvre Nationale du Droit International de L'environnement dans les Pays Francophones*, Presses Universitaires de Limoge.
- White, R. (2013), "Environmental Crime and Problem-Solving Courts", *Crime Law and Social Change*, vol. 59, Issue 3.
- White, Rob (2018), "Ecocide and the Carbon Crimes of the Powerful", *The University of Tasmania Law Review*, vol. 37, no. 2.

